

مقایسهٔ گویش کرمانجی رودباری با گویشهای

کرمانجی خراسان

چکیده

کردی از کهن‌ترین زبانهای ایرانی و از شاخهٔ شمال غربی آنهاست. این زبان به چندین گویش تقسیم می‌شود که در میان آنها کرمانجی بیشترین گویشور را در سطح جهان دارد. کرمانجها در منطقهٔ وسیعی از آسیای میانه و خاورمیانه تا شرق اروپا زندگی می‌کنند. اکثر گروههای کرمانج ایرانی در زمان شاه‌عباس صفوی به دلایل سیاسی از نقاط غربی کشور به خراسان کوچانده شدند. بخشی از این اقوام سیصد سال بعد به امر نادرشاه افشار به نواحی کوهستانی شهرستان رودبار در جنوب استان گیلان مهاجرت کردند. مهاجرت‌های مذکور در طول تاریخ و جدا افتادن گروههای مختلف کرمانج از یکدیگر که خود به تضعیف جایگاه قومی و قدرت رسانه‌ای آنها انجامیده منجر به تأثیرپذیری این گویش از سایر زبانها شده است. در گویش کرمانجی خراسان، جایگاه ارگتیو (نظام کنایی) و جنس در اسامی و ضمائر، در مقایسه با کرمانجی معیار ضعیف شده است. در کرمانجی رودبار فراتر از تغییرات مذکور، و متأثر از ویژگی‌های دستوری زبان فارسی، گونهٔ متفاوتی از مجهول ترکیبی شکل گرفته، نظام کنایی به نظام فاعلی- مفعولی تغییر یافته و نشانه‌های جنس از بین رفته است. این پژوهش، ضمن تدقیق در گویش کرمانجی گویشوران روستای گوفل شهرستان رودبار، می‌کوشد با بهره‌گیری از مطالعه کتابخانه‌ای- میدانی به بررسی تغییرات گویش کرمانجی رودبار نسبت به گونه‌های متقدم این گویش و دلایل این تغییرات بپردازد. **کلیدواژه‌ها:** زبان کردی، گویش کردی کرمانجی، ارگتیو، مجهول، جنس.

۱. مقدمه

پراکندگی اقوام کُرد در مناطق مختلف جغرافیایی موجب پیدایش گویشها و لهجه‌های مختلف گردیده است. کوششهای انجام‌گرفته در مورد تقسیم‌بندی گویشهای کُردی براساس موقعیت جغرافیایی آنها بوده است و چندان بر یافته‌های زبانشناسی جدید منطبق نیست. نخستین بار مورخ شهیر کُرد امیر شریف‌الدین خان بدلیسی گویشهای کُردی را برحسب اقوام و طوایف کُرد به چهار دسته تقسیم کرده است: کرمانجی، گورانی، کلهری و لری (ابراهیم پور، ۱۳۷۳: ۱۶). امروزه بیشتر صاحب‌نظران زبان کُردی را به سه گروه بزرگ تقسیم می‌کنند: الف) گروه جنوب متشکل از چندین گویش نامتجانس، که در جنوب کردستان ایران تکلم می‌شود، مانند کرمانشاهی در استان کرمانشاه، سنجایی، کلهری، لکی، لری پشت کوه، فیلی و غیره؛ ب) گروه مرکزی شامل کُردی شمال شرقی عراق، کردستان ایران و نواحی مجاور آن است که سورانی نامیده می‌شود؛ ج) کرمانجی یا کُردی شمال، که زبان بیش از دوسوم کردهاست و کردهای ترکیه، سوریه و جوامع کرد ساکن در جمهوری‌های مختلف جامعه کشورهای مستقل (شوروی سابق) به آن تکلم می‌کنند. همچنین گویشوران این زبان در شمال غربی و غرب دریایچه ارومیه [بعلاوه نواحی شمالی ایران و خراسان] زندگی می‌کنند و از سوی کردهای شمال غربی عراق (موصل، دهوک، زاخو، اکره، عمادیه...، که در آنجا آن را بادینانی می‌نامند) نیز تکلم می‌گردد. اولین آثار ادبی کُردی به کرمانجی نگاشته شده‌اند (نک. بلو و باراک، ۱۳۸۷: ۱۴-۱۵). این زبان در سالهای اخیر وارد مرحله جدیدی شده و در برخی مراکز علمی مانند دانشگاه سوربن فرانسه، اگرتر انگلستان و چندین دانشگاه ترکیه به عنوان رشته تحصیلی تدریس می‌گردد.

گویش‌های مختلف کُردی گاه چنان از همدیگر دور می‌شوند که می‌توان آنها را زبانهای مستقل نامید. در این میان کرمانجی و سورانی از رشد نسبی بیشتری در حوزه ادبی و رسانه‌ای برخوردار هستند. این دو گویش از نظر زبانی و بویژه دستوری (در حوزه جنس دستوری، جمع بستن اسامی، نظام کنایی، ساخت مجهول، صرف زمان‌ها و غیره) با یکدیگر تفاوت‌های فراوانی دارند، و در نتیجه می‌توان گفت دو زبان مستقل اما از یک ریشه هستند (نک. پاک‌سرشت، ۱۳۹۲:

گویش کرمانجی به شاخه‌های سرحدی، بوتانی^۱، بادینی، و گونه غربی و شمال غربی تقسیم می‌گردد. علاوه بر مناطق مرکزی، بسیاری از کرمانج‌های خراسان و گیلان نیز به این گویش تکلم می‌کنند. البته این تقسیم‌بندی مطلق نیست و دگرگونی گویشی از یک منطقه به منطقه دیگر تدریجی است (نک. شریفی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱). «گویش کرمانجی رایج در خراسان تفاوت‌هایی با دیگر گویش‌های کرمانجی دارد، تنوع این گویش البته در خراسان چندان گسترده و قابل توجه نیست و تفاوت‌های زیادی بین گونه‌های کرمانجی در خراسان وجود ندارد» (قنبری بگلر، ۱۳۹۲: ۳).

یکی از دلایل عمده تکرر زیرشاخه‌های زبان کردی و گویش‌های کرمانجی، کوچ‌های متعدد اقوام کرد و گستردگی جغرافیایی سکونت‌گاه‌های آنهاست. در ایران، شاه‌عباس در سال ۱۰۰۵ ه.ق. با وعده دستیابی به مراتع جلگه تهران کردهای [کرمانج] ساکن در غرب ایران را راضی به مهاجرت به این منطقه کرد، اما در عرض دو سال عمده این اقوام برای مقابله با هجوم اُزبکان به استان خراسان کوچانده شدند. با این عمل، شاه‌عباس به دنبال دو هدف بود: اول جلوگیری از قدرت‌یابی کردها در سرزمینشان (نک. توحیدی، ۱۳۷۰: ۲۸)، و دوم مقابله با نیروی طغیانگر اُزبکها (طاهرزاده، ۱۳۸۳: ۷۴). حدود سه قرن بعد نادرشاه گروهی از این اقوام را که ساکن دشت ماروسک نیشابور بودند برای مقابله با نفوذ روسها به مناطق شمالی ایران کوچاند. مهاجران که عموماً از طایفه عمارلوی قوم زعفرانلو بودند بعد از ساکن شدن در نواحی کوهستانی جنوب گیلان نام این منطقه را از خورگام به عمارلو تغییر دادند. بیشتر کرمانج‌های کنونی شهرستان رودبار بازماندگان کوچ مذکورند (رایینو، ۱۳۷۴: ۳۰۳). این دو مهاجرت منجر به جدایی بخشهایی از اقوام کرمانج از دیگر هم‌زبانان خود شده است. گویش مهاجران نیز متأثر از این جدایی و عواملی مانند زبان فارسی، نظام آموزشی، آثار مکتوب و رسانه‌های گروهی، و نیز زبانها و گویش‌های مجاور با سکونت‌گاه‌های کوچندگان و همچنین عدم ارتباط فراگیر گویشوران با

۱ بوتان شهری در جنوب ترکیه است. لهجه مناطق جنوبی ترکیه (بوتان، دیاربکر و غیره) اغلب به عنوان گویش پایه در نگارش آثار کرمانجی مورد استفاده قرار می‌گیرد (نک. بلو و باراک، ۱۳۸۷: ۱۸). عنوان کرمانجی معیار نیز بیشتر به گویش بوتانی تعلق می‌گیرد. بین کرمانجی معیار و کرمانجی خراسان تفاوت‌های زیادی به چشم نمی‌خورد (شریفی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱).

الفبای نوشتاری کرمانجی دستخوش تغییراتی شده است. در گویش کرمانجی خراسان این تغییرات شامل کمرنگ شدن جنس دستوری، صورت ارگتیو و نشانه‌های حالت‌نمایی است. در کرمانجی رودبار ساخت مجهول ترکیبی کرمانجی معیار و خراسان تغییر شکل یافته است. همچنین جنس، نظام کنایی و تا اندازه زیادی نشانه‌های حالت‌نمایی از بین رفته است.

۲. پیشینه تحقیق

گویش کرمانجی در گستره وسیعی از کشورهای مختلف متداول است و محققان این کشورها درباره ویژگی‌های گوناگون زبانی آنها به پژوهش پرداخته‌اند. در نیم قرن گذشته چند دستور زبان کرمانجی به نگارش در آمده است که از جمله آنها می‌توان به دستور زبان کرمانجی به قلم ژویس بلو و ویسی باراک (۱۹۹۹) اشاره کرد. این اثر توسط بلخکانلو (پاک‌سرشت (۱۳۸۷)) در ایران ترجمه شده است. از میان فرهنگ‌های فارسی-کرمانجی نیز می‌توان به فرهنگ ۲۷۰۰۰ واژه‌ای کردی (کرمانجی)-فارسی اشاره کرد که توسط پاک‌سرشت و همکاران (۱۳۹۱) تدوین یافته است. همچنین باک‌آف و کوکرمین (۱۹۶۲) و شیندلر (۱۹۸۸) و برخی دیگر بر روی واژه‌شناسی و آواشناسی گونه‌هایی از کرمانجی خراسان تحقیق کرده‌اند.

از جدایی گویش کرمانجی خراسان از موطن اصلی‌اش حدود ۵۰۰ سال می‌گذرد. این فاصله زمانی و مکانی باعث شده است تا این گویش نسبت به دیگر گویشهای کردی کمتر مورد بررسی و توجه قرار بگیرد. تا چند دهه قبل پژوهش‌های چندانی در مورد این گویش انجام نگرفته بود و حتی خود کردهای خراسان هم اطلاع چندانی درباره گذشته و زبان خود نداشتند، اما در دو دهه اخیر مخصوصاً با بهره‌گیری از اینترنت و اطلاع‌رسانی به کمک آن ارتباط بین کردهای خراسان بیشتر شده است و بررسیهای مربوط به این گویش و نیز انتشار آثار و کتابهای نوشته شده به کرمانجی خراسانی روز به روز در حال افزایش است (نک. قنبری بگلر، ۱۳۹۲: ۶)، که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم. کتابشناسی تفصیلی در فهرست منابع ذکر شده است: رحیمی دوین (۱۳۷۰)؛ جلاپریان (۱۳۷۱)؛ ترقی اوغاز (۱۳۷۹)؛ دانش‌پژوه (۱۳۸۹)؛

مصطفوی گرو (۱۳۸۶)؛ قنبری بیگلر و همکاران (۱۳۹۲)؛ دانش پژوه و کریمی دوستان (۱۳۹۳)؛ امامی و سبزه (۱۳۹۲)؛ علیزاده و تقوی گلپان (۱۳۹۲).

نویسندگان این مقاله در جستار خود به پژوهشی که اختصاصاً به بررسی ویژگی‌های گویش کرمانجی رودبار پرداخته و توسط پایگاه‌های استنادی علمی نمایه شده باشد، یا در بانک پایان-نامه‌های ملی بایگانی شده باشد دست نیافتند. شایان ذکر است که گویش کرمانجی رایج در روستاها و شهرهای شهرستان رودبار تفاوت چندانی با هم ندارند. از این‌روی نتایج مستخرج از این بررسی که مبتنی بر گویش کرمانجی روستای گوفل است، تا حد زیادی قابل تعمیم به تمام شهرستان رودبار می‌باشد.

۳. ساخت مجهول در گویش کرمانجی معیار و گویش خراسان

ساخت مجهول به طور عام به یک الگوی دستوری اطلاق می‌شود که در آن فاعل فعل متعدی یا فاعل فعل لازم (کنشگر) در صورت نحوی جمله ظاهر نمی‌شود و موضوع غیرکنشگر در جایگاه نهاد جمله قرار می‌گیرد. به لحاظ صوری، مجهول در زبانهای ایرانی به دو گونه متفاوت نمود پیدا می‌کند. اگر مجهول از طریق وندافزایی به فعل یعنی از طریق افزودن تکواژ مجهولساز به ریشه فعل شکل بگیرد، ساخت حاصل را مجهول تصریفی/ساختواژی می‌نامند، اما اگر مجهول از طریق سازه‌افزایی شکل بگیرد، ساخت حاصله را مجهول ترکیبی/نحوی می‌نامند (دانش پژوه، ۱۳۹۳: ۱-۲). در کرمانجی معیار و خراسان برای بیان مجهول، ساختی ترکیبی/نحوی وجود دارد. در این ساخت فعل 'hat n' (آمدن) که در تمام زمانهای حال و گذشته صرف می-

۱ امروزه برای نگارش اکثر آثار مربوط به زبان کرمانجی از الفبای کرمانجی (هاوار) که برگرفته از لاتین است استفاده می‌شود (بلو و باراک، ۱۳۸۷: ۱۷-۱۸). این نظام نوشتاری در حال حاضر متداول‌ترین نظام نوشتاری کردی و مخصوصاً کرمانجی است که پیشتر در اروپا و ترکیه استفاده می‌شد و در سالهای اخیر در ایران نیز استعمال آن رایج شده است (قنبری بیگلر، الیاسی و ایزانلو، ۱۳۹۲: ۴). با توجه به اینکه الفبای کرمانجی با الفبای آوانگاری بین‌المللی در چند نویسه تفاوت دارد و این امر ممکن است خوانندگان پارسی‌زبان را دچار اشتباه خوانشی کند، در این مقاله از آوانگاری معیار استفاده شده است. مثالهای منقول از منابع دیگر نیز با آوانگاری معیار تطبیق یافته‌اند. البته در پیوست مقاله حروفی که در دو نوشتار شکل متفاوتی دارند آورده شده‌اند.

شود پیش از مصدر فعل اصلی آورده می‌شود. این فعل در زمان حال به صورت *t/d* و در زمان گذشته به صورت *hat* تجلی پیدا می‌کند و مصدر تابع آن است (همان: ۷):

bav-i wi hat-i jæ ko t n	پدرش کشته شده است (گذشته)
t jæ gut n	گفته می‌شود (حال)
æm hæ r h l t n ko t n	هر چهل نفر ما کشته خواهیم شد (آینده)

صورت فوق در کرمانجی رودبار معنای مجهولی ندارد. در تمام گویش‌های کرمانجی مانند زبان فارسی وجه وصفی (اسم مفعول) که به عنوان صفت بیانی به کار می‌رود از ریشه گذشته و تکواژ پیوستی - تشکیل می‌شود: *iri kæland-* شیر جوشیده شده (بلو، ۱۳۸۷: ۱۱۹)، اما برخلاف زبان فارسی این ساخت در قالب فعل مجهول به کار نمی‌رود.

۴. ساخت مجهول در کرمانجی رودبار

در کرمانجی رودبار ساخت ترکیبی فعل مجهول گویش‌های معیار و خراسانی تغییر یافته است. در بعضی حالات زمانهای حال و آینده گویشوران رودباری متأثر از زبان فارسی، از ساخت صفت مفعولی برای بیان افعال مجهول استفاده می‌کنند:

ماده ماضی + + *tæ b* / *tæ b i jæ* فعل مجهول:

av rə and ə tæ b i jæ	آب ریخته می‌شود (حال)
av rə and ə tæ b ə	آب ریخته می‌شود (آینده)

شایان ذکر است که فعل *bu* در کرمانجی هم معنی «بود» و هم معنی «شد» می‌دهد:

av sar bu	آب سرد بود/ آب سرد شد.
-----------	------------------------

حال اگر صفت مفعولی به همراه فعل *bu* بیاید هم معنی ماضی بعید و هم فعل مجهول از آن

مستفاد می‌گردد:

av rə and ə bu	آب ریخته بود/ آب ریخته شد.
----------------	----------------------------

وقتی که از فعل **bu** با افاده معنای «شد» ساخت مجهول حاصل شود، معنی مجهولی تنها در بافت جمله یا به واسطه نوع تلفظ برای مخاطب قابل درک است. در ضمن فعل ترکیبی «شده بود» در کرمانجی با تکرار دوباره فعل **bu** شکل می‌گیرد:

av r and bu bu	آب ریخته شده بود.
----------------	-------------------

البته ساخت زمانهای حال و آینده فعل **bu** (بود/شد) معنی «می‌شود» می‌دهد. بنابراین خلطی که در زمان گذشته این فعل پیش می‌آید در زمانهای حال و آینده وجود ندارد و این ساخت تنها معنی مجهولی می‌دهد (نک. مثالهای حال و آینده در فوق).

در کرمانجی رودبار غیر از ساخت فوق، گونه دیگری از فعل مجهول وجود دارد که بر خلاف گونه اول در صرف گذشته آن خلط معنایی وجود ندارد و در تمام زمانها معنی مجهولی می‌دهد. این ساخت در بررسی انواع گوناگون گویش کرمانجی (معیار، بادینی ارومیه و خراسانی و مصاحبه با گویشوران مناطق مختلف کرمانج‌نشین خراسان) مشاهده نشد. ترکیب این ساخت به شرح زیر است:

ماده ماضی **bu + jak/j/ + i +** فعل مجهول:

av rə and i jaj bu	آب ریخته شد
--------------------	-------------

در زیستگاه آغازین کرمانج‌ها در شهرهای آناتولی هم شکلی از اسم معنی وجود دارد که تا حدودی شبیه به این ساخت است (بلو، ۱۳۸۷: ۱۲۴):

صفت **aj +** اسم معنی:

b l nd+a j=b l nda j	بلندی
----------------------	-------

در کرمانجی خراسان نیز گاه از این ترکیب استفاده می‌شود:

wæsti jaj	خسته
kæsti jaj	شکسته

با این حال نه در کرمانجی معیار و نه در کرمانجی خراسان از این ساخت در ساختمان فعل مجهول استفاده نمی‌شود و علی‌رغم گذشت زمان طولانی از جدایی اقوام این دو سرزمین از یکدیگر و ایجاد فاصله جغرافیایی مابین آنها، در هر دو منطقه ساخت همسانی از فعل مجهول حفظ شده است. این امر احتمال حذف تدریجی فعل مجهول مورد استعمال کرمانج‌زبانان شهرستان رودبار را در گویش کرمانجی آناتولی و خراسان اندک می‌سازد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت گویشوران رودباری این ساخت را از ساختهای دیگر و یا از میان دیگر زبانها و گویش‌های مجاور خود اقتباس کرده و از آن برای خلق گونه جدیدی از فعل مجهول بهره برده‌اند.

سؤالی که پیش می‌آید این است که اشکال متفاوت فعل مجهول در گویش کرمانجی رودبار تحت تأثیر چه عواملی و برای رفع چه مشکل دستوری و گویشی شکل گرفته‌اند. به نظر می‌رسد گونه اول فعل مجهول مورد استفاده در کرمانجی رودبار (ماده ماضی + bu + «شد») تحت تأثیر زبان فارسی شکل گرفته باشد. گونه دوم فعل مجهول در گویش کرمانجی رودباری نیز محصول خلط معنایی فعل مجهول با ماضی بعید و عدم رسانایی معنایی گونه اول در زمان گذشته است. همچنین تعقید لفظی گونه دوم باعث شده است تا در بعضی از ساختها که گونه اول فعل مجهول از شفافیت معنایی برخوردار است از این ساخت استفاده شود. مثلاً k tab xandæ tæb (کتاب خوانده می‌شود) راحت‌تر از k tab xandijaj tæb تلفظ می‌شود. در نتیجه هر دو گونه فعل مجهول در کرمانجی رودبار باقی مانده و به اقتضای موقعیت از یکی از آن دو استفاده می‌شود. در گویشهای کردی، مثل اردلانی، کلهری و ایلامی، از دو پسوند متمایز در ماده مجهول، یعنی -ya- در مضارع و -y9- در ماضی استفاده می‌کنند که با اندکی تحول در ایرانی باستان نیز وجود داشته است (رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۹۰: ۱۲ و ۱۶).

در کرمانجی، برخلاف سایر گویش‌های کردی مجهول ساختی ترکیبی دارد. از آنجاکه در نظام کنایی کرمانجی خراسان و معیار، فعل از مفعول تبعیت می‌کند، قرار گرفتن مفعول جمله مجهول در جایگاه فاعلی (عامل) باعث شده است تا این تبعیت مستحکم‌تر شده و در نوعی بی‌نیازی نحوی به طرف دوم، فعل لازم hat n (آمدن) در ساخت جمله مجهول به کار رود. بر عکس در نظام

فاعلی - مفعولی زبان فارسی که در آن، فعل از فاعل تبعیت می‌کند، فعل «شد» که فعلی گذرا به مفعول است در ساخت مجهولی مورد استفاده قرار می‌گیرد. تغییر شکل مجهول ترکیبی در گویش کرمانجی رودبار که منجر به انتقال شناسه‌های افعال مجهول از پایان فعل ناگذر hat (آمد) به پایان فعل گذرای bu (شد) گشته است را می‌توان گامی در راه تغییر نظام گنایی به نظام فاعلی - مفعولی در گویش کرمانجی رودبار دانست.

۵. نشانه‌های حالت‌نمایی در کرمانجی خراسان و رودبار

حالت‌نمایی یکی شیوه‌های معمول در زبانهای مختلف برای نشان دادن ارتباط نحوی میان عناصر جمله است. حالت به نظام نشان دادن اسمهای وابسته برای نوع رابطه‌ای که با هسته خود دارند اطلاق می‌شود؛ همچنین حالت برای نشان دادن رابطه یک اسم با فعل در سطح بند یا رابطه یک اسم با حرف اضافه یا اسمی دیگر در سطح گروه به کار می‌رود. در یک تقسیم‌بندی کلی کامری زبانهای دنیا را از لحاظ نظام حالت به دو دسته ختشی و سه‌گانه تقسیم کرده است (سبزعلی‌پور، ۱۳۹۳: ۱۰۳-۱۰۶).

حالت‌نمایی ارتباط مستقیمی با ساختار نحوی جمله دارد. از لحاظ نحوی زبان‌های دنیا به دو دسته عمده فاعلی - مفعولی و ارگتیو - مطلق تقسیم می‌شوند. مبنای این طبقه‌بندی تفاوت رفتار موضوع‌های اصلی بندهای لازم و متعدی (فاعل بند لازم، مفعول بند متعدی) است. در زبانهای فاعلی - مفعولی که به اختصار آنها را زبانهای مفعولی می‌نامند، فاعل بند لازم و فاعل بند متعدی رفتار یکسانی از خود نشان می‌دهند و در مقابل مفعول بند متعدی رفتار متفاوتی دارد. در زبان‌های ارگتیو - مطلق که به اختصار آنها را زبان‌های ارگتیو می‌نامند، فاعل بند لازم و مفعول بند متعدی رفتار یکسانی دارند و در تقابل با فاعل بند متعدی قرار می‌گیرند (راسخ مهند، ۱۳۹۲: ۸۸).

این دو نظام در زبانهای ایرانی نیز کاربرد هستند. دبیر مقدم نشان دادن فاعل فعل متعدی و مفعول با نشانه‌ای یکسان و متفاوت با فاعل فعل لازم را در حالت‌نمایی و مطابقت زبانهای ایرانی نو نشان می‌دهد و آن را نظام دوگانه می‌نامد. برای مثال در گویش‌هایی مانند کرمانجی معیار و تاتی، فاعل افعال لازم و متعدی در زمان حال با فعل جمله ارتباط مستقیم دارد، اما در زمان گذشته این

رابطه مستقیم تنها مابین فعل لازم و فاعل آن وجود داشته و در فعل متعدی به غیرمستقیم تبدیل می‌گردد، بدان معنا که شناسه فعل به جای فاعل از مفعول جمله تبعیت می‌کند. علاوه بر موضوعهای اصلی فعل که فاعل و مفعول هستند، فعل ممکن است وابسته‌های دیگری داشته باشد که برای مثال زمان یا مکان را نشان دهند. در مبحث حالت‌نمایی وقتی از تغییر این وابسته‌ها صحبت می‌کنیم در واقع به تغییراتی که آنها به تبع فاعل و مفعول در جمله می‌پذیرند نظر داریم (سبزعلی‌پور، ۱۳۹۳: ۱۰۶-۱۰۷). در زبانهای ایرانی باستان نظام حالت بسیار فعال بود. در فارسی باستان، اسم، صفت و ضمیر هفت حالت و در اوستایی هشت حالت داشت و در موقعیتهای مختلف نحوی، پی‌بستگی به عنوان تکواژهای تصریفی، به دنبال آنها می‌آمد و نقش دستوری آنها را معین می‌کرد. این تکواژها همیشه یکسان نبوده بلکه به اقتضای اصوات پایانی کلمات، صورتهای متنوعی داشته است. بدین ترتیب، هر اسم در یک حالت، چند شکل، و در حالات گوناگون، اشکال بسیار گسترده‌ای پیدا می‌کرد و همین امر، بر پیچیدگی این زبان‌ها می‌افزود. در فارسی میانه، حالت تصریفی اسم، صفت و ضمیر، نخست به دو حالت فاعلی و غیرفاعلی مبدل شد، سپس تمایز این دو حالت نیز از بین رفت. بنابراین مهم‌ترین تحول زبان فارسی از دوره باستان به دوره میانه، از بین رفتن اشکال و حالت تصریفی کلمات (اسم، صفت و ضمیر) بوده است (نک. رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۲: ۴۲-۴۳). زبان فارسی نو (دری) که صورت دگرگون شده زبان فارسی میانه است با از دست دادن حالت فاعلی و غیرفاعلی کلمات (اسمها، صفات و ضمائر)، و نظام کنایی فارسی میانه، نظام فاعلی-مفعولی پیدا کرده است. نظام حالت فاعلی-مفعولی در میان زبان‌های دنیا به مراتب بی‌نشان‌تر از نظام حالت ارگتیو است. در نتیجه طبیعی است که در مسیر تغییر یک نظام ارگتیو به یک نظام فاعلی-مفعولی، نشانه‌های حالت نیز در آن کاسته شوند (راسخ مهند، ۱۳۹۲: ۸۸). مقایسه نشانه‌های حالت‌نمایی گویش کرمانجی رودبار با کرمانجی خراسان مؤید همین امر است.

در این قسمت به ذکر نمونه‌هایی از حالات مختلف مفعولی و فاعلی ضمائر در موقعیت ندایی، خطاب و تمایز جنس دستوری آنها در گویش کرمانجی رودبار در مقایسه با کرمانجی خراسان اشاره می‌کنیم.

الف) نشانه‌های مفعولی

در جدول زیر نشانه‌های مفعولی کرمانجی خراسان و رودبار در حالت‌های مختلف با هم مقایسه شده‌اند. همانطور که ملاحظه می‌شود نشانه‌های چندگانه مفعولی در کرمانجی رودبار تقلیل یافته است. طبعاً وجود اشکال مختلف حالت‌نمایی در گویش‌های متقدم کرمانجی دلایل دستوری و آوایی داشته است. تقلیل این نشانه‌ها و ترکیب چند نشانه مفعولی در یک ساخت در کرمانجی رودبار مؤید دو امر است: ۱- حرکت کرمانجی رودبار در مسیر ساده‌سازی زبانی؛ ۲- تبدیل نظام کنایی به نظام فاعلی - مفعولی.

جدول a: نشانه‌های حالت مفعولی در کرمانجی خراسان و رودبار

حالت	نشانه در کرمانجی خراسان	نشانه در کرمانجی رودبار	مثال در جمله	معنی
مفعول رای	-	-	æz hæsaen _ dim	من حسن را دیدم
مفعول ازی	-læ / - æ	-læ	æz læ par hat mæ	من از پارسال آمده‌ام
مفعول بایی	-bæ/-w /-b /-pæ/-wæ	-wæ	æz wæ tæ ra hat mæ	من با تو آمده‌ام
مفعول دری	-læ	-læ	æz læ mal m	من در خانه هستم
مفعول به‌ای	-læ	-læ	læ m b fk r	به من نگاه کن
مفعول برای	-læ/- æ /-sa	-læ	æz læ tæ ra hat mæ	من برای تو آمده‌ام

ب) ضمائر فاعلی و غیرفاعلی

جدول b: ضمائر فاعلی و غیرفاعلی در کرمانجی خراسان و رودبار

ضمائر	ضمائر فاعلی در کرمانجی خراسان	ضمائر فاعلی در کرمانجی رودبار	ضمائر غیرفاعلی در کرمانجی خراسان	ضمائر غیرفاعلی در کرمانجی رودبار
من	æz	æz	m /m n	m /m n
تو	tu	tu	tæ	tæ
او	æw	æw	wi (مذکر)(مؤنث) w	wi
ما	æm	æm	mæ	mæ
شما	hun	hun	wæ	wæ
آنها	æwana	æwana	wan	wan

ضمایر فاعلی و غیرفاعلی در کرمانجی خراسان و رودبار عیناً مثل هم هستند جز سوم شخص مفرد که در حالت غیرفاعلی در کرمانجی خراسان شکل مذکر و مؤنث آن از هم متمایزند. البته در کرمانجی معیار و خراسان به خاطر وجود نظام کنایی، ضمایر غیرفاعلی می‌توانند در جایگاه نهاد و ضمایر فاعلی در جایگاه مفعول قرار بگیرند. مطابقت فعل با مفعول در نظام کنایی را می‌توان یکی از دلایل تمایز ضمایر فاعلی از ضمایر غیرفاعلی در این نظام دانست. این تمایز در صرف ضمایر گویش کرمانجی باقی مانده است. با توجه به تغییر گویش کرمانجی رودبار به نظام فاعلی - مفعولی ضمایر فاعلی تنها در جایگاه فاعلی و ضمایر غیرفاعلی نیز در جایگاه مفعولی به کار می‌روند. با اینکه این گویش ماهیت ارگتیو خود را از دست داده است، ولی در طی این فرایند، بر عکس زبان فارسی تمایز ضمایر فاعلی و غیرفاعلی در آن کم‌رنگ نشده است.

ج) نشانه‌های جنس

مسئله جنس فرع بر مبحث حالت‌نمایی است. با ذکر نشانه‌های مختلف جنس در جدول زیر در واقع کوشیده‌ایم حالت‌های فاعلی و غیرفاعلی متأثر از جنس را به نمایش بگذاریم. در کرمانجی معیار نشانه‌های جنس در اسامی، حالت‌های ندایی و اضافی و بعضی ضمایر وجود دارد (نک. بلو و باراک، ۱۳۸۷: ۳۱-۳۶). این نشانه‌ها در کرمانجی خراسان نیز تداوم یافته‌اند. البته به مرور زمان نشانه‌های جنس کم‌رنگ می‌شوند.

جدول C: نشانه‌های جنس در کرمانجی خراسان و رودبار

کرمانجی رودبار (فاقد جنسیت)	کرمانجی خراسان			حالت	
	معنی	مثال	نشانه مؤنث		
æz	من گفتم (مذکر) من گفتم (مؤنث)	æzi gut æz gut	æz_	æzi	ضمیر فاعلی
wi	به او نگاه کن (مذکر) به او نگاه کن (مؤنث)	læ wi b fk r læ w b fk r	w_	wi	ضمیر غیر فاعلی
	دایی من آمد خاله من آمد	xal m n hat xaltija m n hat	xaltija	xal_	اضافه
mæmæd aj =(aj) gol jaj=(aj)	محمد به من نگاه کن گلی به من نگاه کن	m mo m n b fk r gol m n b fk r	gol_	m mo	خطاب/ ندا
dari upan	چوبدستی چوپان (مذکر) درخت میوه (مؤنث)	dari upan dara miv	dara	dari	نام

در میان گویشوران نسل جدید کرمانج خراسانی مفهوم جنسیت در حال فروپاشی است. البته این تحول در اسامی مؤنث و مذکر مجازی بیشتر است، گاه حتی اسامی مذکر و مؤنث حقیقی نیز با پسوندهای جنسی بی ارتباط تلفظ می‌شود. در مجموع غیر از مذکر و مؤنث حقیقی، نحوه تلفظ افزونه پایانی تفاوت چندانی ایجاد نمی‌کند، ولی اشکال تلفظی که مبین تمایزهای جنسی است هنوز حفظ شده است و این تمایز در افراد مسن، و همچنین عشایری که صورتهای زبانی گذشته را در گفتار خود حفظ کرده‌اند، هنوز هم رعایت می‌شود. سطر زیر که از نسخه خطی اثر جعفرقلی زنگلی شاعر چنارانی (حدود ۱۰۰ سال پیش) انتخاب شده است مؤید تمایز نشانه‌های جنس در گویش کرمانجی خراسان در گذشته‌ای نه چنان دور است:

mæ nun **o** æfær qoli ka l jlj n an **a** tæ? tu færhad **i** m skin i ka irin
z van **a** tæ^۱

معنی: ای جعفرقلی مجنون، نشانی از لیلیات کو؟ تو فرهاد مسکینی، شیرین زبانت کو؟
(زنگلی، بی تا: بی ص)

در کرمانجی رودبار تمایز جنس از بین رفته و در تمام موارد تنها نشانه مذکر به عنوان نشانه غالب و عام حفظ شده است. این امر در میان گویشوران رودباری تغییری نوپدید تلقی نمی‌شود، چنانکه در زبان افراد مسن نیز تمایز جنس دستوری مشاهده نمی‌شود. در فرایند تبدیل نظام کنایی به نظام فاعلی- مفعولی در گویش کرمانجی رودبار تمایز میان ضمائر فاعلی و غیرفاعلی و جایگاه آنها در جمله حفظ و حتی تقویت شده است. در نقطه مقابل با توجه به تقلیل نشانه‌های حالت‌نمایی در نظامهای فاعلی- مفعولی و تبدیل مفعول مؤثر به مفعول اثر پذیر در ساخت جمله‌های این نظام، نشانه‌های حالت در انواع مختلف مفعول تقلیل یافته‌اند. نشانه‌های جنس نیز متأثر از فرایند مذکور و تحت تأثیر زبان پارسی رو به زوال رفته است.

۱ O (نشانه منادای مذکر)؛ a (نشانه اضافی مؤنث: لیلی، شیرین)؛ i (نشانه اضافی مذکر: فرهاد)

۶. ارگتیو در گویش کرمانجی خراسان

«ارگتیو کلمه‌ای است از ریشه *ergu* یونانی و *erga* لاتین، به معنی سبب شدن، به وقوع رسانیدن، و خلق کردن و اصطلاحاً حالتی است دستوری که در آن عامل فعلهای ماضی متعدی به شکل غیرفاعلی، و مفعول به شکل فاعلی ظاهر شده، و فعل از نظر شخص و شمار و جنس، به جای عامل از مفعول تبعیت می‌کند. در ارگتیو سه عنصر، یعنی فاعل، مفعول و فعل نقش بسیار مهمی دارند» (رضایتی، ۱۳۸۶: ۹۰-۹۱).

غالب زبانهای ایرانی در نظام مطابقه / حالت خود از الگوی گسسته‌کنایی بهره می‌برند. این الگوی گسسته تابعی از زمان دستوری است که خود را در ستاک افعال متبلور می‌کند. به دیگر سخن، الگوی کنایی در زبانهای ایرانی زمان-محور می‌باشد: در بندهایی که فعل اصلی از ستاکِ حال مشتق شده باشد، شاهد الگوی فاعلی-مفعولی هستیم، در حالی که در بندهایی که فعل اصلی از ستاک گذشته تشکیل شده است، الگوی کنایی مشاهده می‌شود (کریمی، ۱۳۹۱: ۲). کردی شمال (کرمانجی) یکی از این زبانهاست.

کرمانجی خراسان از نظر رده‌شناسی در ردهٔ زبانهای نیمه‌ارگتیو یا گسسته قرار دارد، یعنی فقط در ساختهای متعدی زمان گذشته ویژگیهای نظام ارگتیو مطلق را داراست و در بقیهٔ ساختها از ویژگیهای نظام فاعلی-مفعولی پیروی می‌کند (علیزاده و تقوی، ۱۳۹۴: ۱۶). در کرمانجی مانند بسیاری از زبانهای دیگر حالت ارگتیو به تدریج در حال از بین رفتن و تبدیل به فاعلی-مفعولی است. البته مناطقی وجود دارند که در مقابل این تغییر مقاومت کرده‌اند ولی به نظر می‌رسد در بلندمدت این مناطق نیز سرنوشتی مشابه دیگر گویشهای کرمانجی داشته باشند. ظاهراً گذر زمان و ارتباط با سایر زبانها و گویش‌ها را می‌توان دو عامل مهمی دانست که روند تحول زبانها و گویشها را تسریع می‌کند.

الف) زمان

زبان در طی تاریخ همواره به سوی سادگی و آسان‌سازی ارتباط حرکت کرده است. تغییر تدریجی ارگتیو در گویش کرمانجی در کشورهای مختلف را می‌توان در همین راستا ارزیابی

کرد. برای مثال مارگریت دور لجین (۱۹۹۶: ۱۸۳) در مقاله «زوال حالت فاعل کنایی در کرمانجی؛ یک مسأله درون‌زبانی یا ملهم از تماس» با ذکر مثالهایی نشان داده است که در دیاربکر ترکیه ساخت فاعل کنایی به نفع یک ساخت ترکیبی در حال از بین رفتن است که در آن هر دو فاعل در حالت غیرفاعلی هستند و فعل از نظر شمار با فاعل اول تطابق پیدا می‌کند (بلو و باراک، ۱۳۸۷: ۷۵):

m n mæriv-an dit	من مردم را دیدم
tæ m n dit	تو من را دیدی
hæsæn siv xar	حسن سیب خورد

در مثالهای فوق فعل در حالت سوم شخص مفرد است. در نمونه اول فعل از لحاظ شخص از مفعول تبعیت کرده است، ولی از لحاظ شمار با فاعل همسان است. در مثال دوم فعل از لحاظ شخص با فاعل و مفعول مطابق نیست ولی از لحاظ شمار با آنها مطابقت دارد. در مثال سوم فعل از لحاظ شخص و شمار مانند فاعل است و در واقع جمله ریختی فاعلی-مفعولی دارد. از این مثالها می‌توان نتیجه گرفت کاربرد بیشتر فعل سوم شخص در صرف جمله‌های دارای ارگتیو ناقص در کرمانجی باعث شده است تا به مرور در بعضی نواحی در صورت ظهور فاعل سوم شخص در جمله، بین فعل و فاعل تطابق شکل گرفته و با ساختی فاعلی-مفعولی مواجه گردیم. این شیوه تغییر را می‌توان یکی از نمودهای درون‌زبانی فرایند تغییر ارگتیو در گویش‌های کرمانجی دانست. البته زبان ترکی هم زبانی فاعلی-مفعولی است (سبزی‌علی‌پور، ۱۳۹۳: ۱۰۵) و می‌توان مانند زبان فارسی آن را در تغییر نظام ارگتیو گویش کرمانجی ترکیه دخیل دانست. با این حال این مثال مبین این امر است که حالتی مانند ارگتیو در گویش کرمانجی نقاط دیگری از جهان نیز در حال کم‌رنگ شدن است و این تغییر همزمان را می‌توان فراتر از تأثیرات زبانی ناشی از کم‌کوشی گویشوران این گویش در بردار زمان دانست. مفروضاتی دیگر مانند کم‌رنگ شدن تمایز جنسیتی و تغییر نقش بشر معاصر، از عامل تأثیرپذیر (در برابر طبیعت) به عامل تأثیرگذار را نیز می‌توان از عوامل زمانی کم‌رنگ شدن کاربرد ارگتیو دانست.

ب) سایر زبانها و گویش‌ها

کوچ اقوام مختلف کرمانج در چند قرن اخیر بافت جمعیتی شهرهای خراسانهای شمالی و مرکزی را به سمت ایجاد گونه‌هایی ترکیبی از زبانهای فارسی، کرمانجی، ترکی و غیره سوق داده است. این هم‌کناری زبانها منجر به تأثیرگذاری بین آنها شده است. در قسمتهای شمالی خراسان تراکم جمعیتی و شهرهای بزرگ بیشترند و در نتیجه توسعه و ارتباطات شهری، زبان فارسی را پر کاربردتر کرده و تأثیرات آن را افزایش داده است. همچنین این شهرها بافتی چندگویشی دارند و در شهرهایی مانند بجنورد و قوچان می‌توان ترکیبی از زبانهای فارسی، کرمانجی و ترکی را مشاهده کرد. در قسمتهای جنوبی‌تر بافت جمعیتی تراکم کمتری دارد و اختلاط بین زبانهای مختلف نیز کمتر شده، در نتیجه ساخت گویش کرمانجی در این مناطق تغییر کمتری یافته است. همچنین در میان روستاهای تک‌گویشی یا عشایری که ارتباطات کمتری با جامعه شهری دارند، ساخت گویش کرمانجی محفوظ‌تر باقی مانده است.

در بعضی شهرها و مناطق روستایی که گویشوران ترک‌زبان فراوان هستند، تأثیر کرمانجی از ترکی چنان است که گویش ساکنان کرمانج آن نواحی *niw turki* (نصفه ترکی) خوانده می‌شود. برای مثال در روستای بگلر متأثر از گویش ترکی و فارسی نظام ارگتیو به نظام فاعلی - مفعولی تغییر یافته و در گویش این روستا حالت ارگتیو تنها در ضمائر فاعلی و غیرفاعلی باقی مانده است: (*tæ m n di* = تو مرا دیدی). البته این تمایز هم به مرور زمان در حال فروپاشی است و ضمائر فاعلی در جای خود ظاهر می‌شوند: (*æz tæ dim* = من تو را دیدم) (نک. قنبری بگلر، ۱۳۹۲: ۱۴-۱۵). در نقطه مقابل در روستای باغچق حالت ارگتیو تا اندازه زیادی حفظ شده است و حتی نشانه‌های جنس نیز هنوز در گویش ساکنان این روستا معتبر است.

در پایشی که در سال ۱۳۹۱ به وسیله پرسشنامه از میان ۱۰۰ نفر از دانش‌آموزان مدارس شهر شیروان و خانواده‌های آنها صورت پذیرفته است، نتایج زیر درباره ساخت نحوی گویش ساکنان این شهر حاصل شده است:

جدول d: انواع نظام نحوی در گویش کرمانجی شهر شیروان

درصد	نظام حالت‌دهی
۵۴٪	ارگتیو
۲۶٪	افعی (فاعل و مفعول در حالت غیرمستقیم قرار دارند)
۵٪	ارگتیو-فاعلی
۲٪	سه‌گانه
۵٪	فاعلی-ارگتیو
۸٪	فاعلی-مفعولی

پژوهشگران از پایش فوق نتیجه گرفته‌اند تبدیل نظام ارگتیو به فاعلی-مفعولی در کرمانجی خراسان فرایندی تدریجی است و می‌توان طیفی از مراحل مختلف این تغییر را در میان گویشوران کرمانج خراسان مشاهده کرد (تقوی و علیزاده، ۱۳۹۴: ۱۸-۱۹). ناگفته نماند که در کرمانجی خراسان قاعده خاصی برای شمار مفعول وجود ندارد. در بعضی مواقع مفعول به همراه نشانه‌های جمع آورده می‌شود و در بعضی اوقات نیز به شکل خنثی و بدون نشان می‌آید. در این مواقع تنها از ضمایر پیوستی فعل می‌توان پی به مفرد یا جمع بودن مفعول برد:

m mivan di	من مهمان را دیدم
m mivan din	من مهمانها را دیدم

حال اگر فاعل این جمله از مفرد به جمع تغییر یابد، در جمله (mae mivan din = ما مهمانها را دیدیم) فعل جمله از لحاظ شمار با مفعول ناهمسان و با فاعل همسان می‌گردد، و درواقع ارگتیو مطلق به ارگتیو ناقص تبدیل می‌شود. بنابراین در کرمانجی خراسان بسته به معنی جمع یا مفرد مفعول، با ارگتیو مطلق یا ناقص روبه‌رو هستیم. این فرایند تغییر درون‌زبانی همانند مثالی است که پیشتر در خصوص کرمانجی دیاربکر شرح داده شد و در آن فعل از لحاظ شمار از فاعل جمله تبعیت می‌کرد. البته اگر ضمایر در جایگاه مفعولی قرار بگیرند، با توجه به مشخص بودن شمار آنها ارگتیو کامل خواهد بود.

با وجود تغییر تدریجی حالت ارگتیو به فاعلی-مفعولی در شهرهای خراسان، میزان و سرعت این تغییر در تمام نقاط یکسان نیست، و هر قدر به سمت نقاط غربی و شمالی استان

خراسان حرکت کنیم، در شهرهایی مانند آشخانه و اسفراین غلبه نظام فاعلی - مفعولی بیشتر می‌شود. با این حال در مجموع می‌توان گفت سرعت تغییرات در گویش کرمانجی خراسان بسیار بالاست. این تغییرات تا اندازه‌ای است که نه تنها در بین گویش دو نسل فاصله‌هایی ایجاد کرده بلکه حتی گویش بعضی جوانان از طرف بعضی دیگر مورد نقد و اعتراض قرار می‌گیرد. سرعت بالای تغییرات گاه به اتفاقات بامزه‌ای می‌انجامد:

برای مثال مطربی که پسوندهای جنسیت در گویش او تمایز ندارد، ممکن است در شهر یا کشور دیگری که این تمایز کماکان باقی مانده است پسوندهای جنسی را به گونه‌ای معکوس تلفظ کند: I jlo (ندای نام لیلی با پسوند مذکر!)، که این امر قطعاً برای شنوندگان ترانه مضحک خواهد بود. همچنین است جمله m n iv xar که در میان گویشوران کرمانج‌زبان برخوردار از نظام ارگتیو، معنی «من شام خوردم» می‌دهد با توجه به غیرفاعلی بودن ضمیر m n و تطابق فعل با مفعول، ممکن است از طرف کرمانج‌زبانان دارای نظام فاعلی - مفعولی اینگونه معنی شود: «شام من را خورد»!

۷. ارگتیو در گویش کرمانجی رودبار

با توجه به اینکه حالت ارگتیو در میان کرمانجهای دشت آمارد و قوم عمارلو در حاشیه شهر نیشابور (که کوچندگان کرمانج شهرستان رودبار بخشی از آنها هستند) باقی مانده است، خواه ناخواه می‌بایست حذف نشانه‌های جنس و تغییر نظام ارگتیو گویشوران کرمانج رودباری در فاصله بعد از کوچ دوم در زمان نادرشاه افشار (۱۱۴۱ ه.ق.) تا ۱۰۰ سال گذشته روی داده باشد. اگرچه در حال حاضر سرعت تغییر در گویش کرمانجی خراسان بیشتر از کرمانجی رودبار است اما نباید از نظر دور داشت که تغییرات حال حاضر گویش خراسانی در فاصله‌ای دورتر در گویش رودباری روی داده است؛ با این تفاوت که این تأثیرپذیری قبل از گسترش رسانه‌های دیداری و شنیداری ملی و منطقه‌ای و در مواجهه مستقیم با فارسی‌زبانان ایجاد شده است. البته در مناطقی مانند روستای جعفرآباد خلخال که در مرز استان گیلان قرار دارد، با وجود عوامل

تأثیرگذار درون و بیرون‌زبانی گویش کرمانجی محفوظ‌تر از شهرستان رودبار است، و نظام نحوی گویشوران ارگتیو است.

همانطور که پیشتر اشاره شد بی‌نظمی یا استفاده نابجای ضمائر فاعلی و مفعولی در کرمانجی خراسان، در مسیر تغییر به نظام فاعلی-مفعولی گویش کرمانجی رودبار کاملاً از بین رفته است. حتی فراتر از زبان فارسی که در واقع تمایز شکلی میان ضمائر فاعلی و مفعولی در آن وجود ندارد و تنها با افزودن نشانه مفعولی (را) از هم تفکیک می‌شوند، در کرمانجی رودبار این ضمائر دو شکل متفاوت یافته‌اند (به جدول b مراجعه شود).

با توجه به همسانی بیشتر صرفهای مختلف فعل در نظامهای ارگتیو، دو ساخت همسان برای فعل‌های دوم‌شخص و سوم‌شخص مفرد مختوم به مصوت *i*- و همین‌طور افعال دوم‌شخص و سوم‌شخص جمع را می‌توان از معدود نشانه‌های سیر تغییر درون‌زبانی حالت ارگتیو در گویش کرمانجی رودبار دانست. به مثالهای زیر توجه کنید:

گویش کرمانجی رودبار (نظام فاعلی-مفعولی)	
tu mivan di	تو مهمان را دیدی
mivan tæ di	مهمان تو را دید

در کرمانجی *i* ضمیر پیوستی فعل دوم‌شخص است، اما از آنجاکه ریشه فعل (*di*) نیز مختوم به *i* است، بنابراین یکی از این دو، در صرف دوم‌شخص فعل حذف می‌گردد و در نتیجه صیغه دوم و سوم‌شخص در حالت مفرد هم‌شکل می‌شوند. با توجه به پس‌زمینه معنایی نظام فاعلی-مفعولی در مثال فوق فعل به فاعل بر می‌گردد، اما در پس‌زمینه معنایی نظام ارگتیو این فعل معطوف به مفعول به حساب می‌آید. جمله‌های فوق در کرمانجی خراسان این گونه نوشته می‌شود:

tæ mivan di	تو مهمان را دیدی
mivan tu di	مهمان تو را دید.

همانطور که می‌بینیم در حالت ارگتیو، فعل *di* با مفعول دستوری مطابقت دارد نه با عامل (فاعل معنایی). شرح فوق در مورد صیغه‌های دوم‌شخص و سوم‌شخص جمع نیز صدق می‌کند:

شما مهمانها را بردید	hun mivan-an b r n
----------------------	--------------------

پسوند **n** در کرمانجی نشانه جمع مشترک در پایان صیغه‌های دوم شخص و سوم شخص است. با توجه به بافت نحوی و معنایی نظام فاعلی-مفعولی در مثال فوق، فعل به فاعل (دوم شخص) باز می‌گردد؛ ولی در بافت نحوی و معنایی نظام ارگتیو این فعل معطوف به مفعول است. این جمله در کرمانجی خراسان این گونه نوشته می‌شود:

شما مهمانها را بردید.	wæ mivan b r n
-----------------------	----------------

همچون مثال قبلی در حالت ارگتیو، در جمله فوق فعل **b r n** با مفعول دستوری مطابقت دارد نه با عامل (فاعل معنایی). این تفسیر با مثالی که پیشتر درباره سیر تغییر نظام ارگتیو در کرمانجی دیاربکر آوردیم مطابقت دارد:

من مردم را دیدم	m n mæriv-an dit
تو مرا دیدی	tæ m n dit
حسن سیب خورد.	hæsæn siv xar

ثبات نسبی فعل سوم شخص مفرد در کنار فاعل با شمار متفاوت، موجب شده است تا فاعل سوم شخص با این فعل مطابقت کند و جمله ریختی فاعلی-مفعولی بگیرد. در فرایند این تفسیر می‌توان گفت صیغه سوم شخص فعل در کرمانجی به دلایل آوایی و غیره آنقدر مانایی داشته تا رفته رفته در حالت جمع برای صیغه دوم شخص نیز استفاده شده است و با توجه به نظام فاعلی-مفعولی در کرمانجی رودبار این فعل به فاعل جمله (خواه مخاطب و خواه غایب) تعلق یافته است.

در پایان این بخش با ذکر مثالهایی حالت نحوی جمله در دو نظام ارگتیو کرمانجی خراسان و فاعلی-مفعولی کرمانجی رودبار نشان داده می‌شود.

۸. مقایسه تطبیقی چند جمله با فعل ماضی متعدی در گویش کرمانجی خراسان و رودبار

جدول e: ارگتیو کامل در گویش کرمانجی خراسان (مفعول معنایی: اسم مفرد)

معنی فارسی	عامل (فاعل معنایی)	فاعل (مفعول معنایی)	فعل
من مهمان را بردم	m n	mivan	b r
تو مهمان را بردی	tæ	mivan	b r
او مهمان را برد (مذکر)	wi	mivan	b r
او مهمان را برد (مؤنث)	w	mivan	b r
ما مهمان را بردیم	mæ	mivan	b r
شما مهمان را بردید	wæ	mivan	b r
آنها مهمان را بردند	wan	mivan	b r

جدول f: ارگتیو ناقص در گویش کرمانجی خراسان (مفعول معنایی: خنثی = فاقد نشانه جمع)

معنی فارسی	عامل (فاعل معنایی)	فاعل (مفعول معنایی)	فعل
من مهمانها را بردم	m n	mivan	b r n
تو مهمانها را بردی	tæ	mivan	b r n
او مهمانها را برد (مذکر)	wi	mivan	b r n
او مهمانها را برد (مؤنث)	w	mivan	b r n
ما مهمانها را بردیم	mæ	mivan	b r n
شما مهمانها را بردید	wæ	mivan	b r n
آنها مهمانها را بردند	wan	mivan	b r n

در صیغه‌های جمع به خاطر عدم وجود نشانه جمع در مفعول، فعل از لحاظ شمار ظاهراً با فاعل مطابقت دارد.

جدول g: ارگتیو کامل در کرمانجی خراسان (مفعول معنایی: ضمیر)

معنی فارسی	عامل (فاعل معنایی)	فاعل (مفعول معنایی)	فعل
من تو را بردم	m n	tu	b r
تو من را بردی	tæ	æz	b r
او تو را برد (مذکر)	wi	tu	b r
او تو را برد (مؤنث)	w	tu	b r
ما شما را بردیم	mæ	hun	b r
شما ما را بردید	wæ	æm	b r
آنها شما را بردند	wan	hun	b r

جدول ۱: ساخت جمله متعدی در گویش کرمانجی رودبار (نظام فاعلی - مفعولی)

معنی فارسی	فاعل	مفعول مفرد	فعل
من مهمان را بردم	æz	mivan-	b r m
تو مهمان را بردی	tu	mivan-	b ri
او مهمان را برد	æw	mivan-	b r
ما مهمان را بردیم	æm	mivan-	b r ni
شما مهمان را بردید	hun	mivan-	b r n
آنها مهمان را بردند	æwana	mivan-	b r n

جدول ۲: ساخت جمله متعدی در گویش کرمانجی رودبار (نظام فاعلی - مفعولی)

معنی فارسی	فاعل	مفعول جمع	فعل
من مهمانها را بردم	æz	mivan-an	b r m
تو مهمانها را بردی	tu	mivan-an	b ri
او مهمانها را برد	æw	mivan-an	b r
ما مهمانها را بردیم	æm	mivan-an	b r ni
شما مهمانها را بردید	hun	mivan-an	b r n
آنها مهمانها را بردند	æwana	mivan-an	b r n

۹. نتیجه‌گیری

کرمانج‌های ایران در گستره جغرافیایی وسیعی از غرب تا شرق کشور در استانهای آذربایجان غربی، گیلان، مازندران، قزوین، تهران و خراسان پراکنده‌اند. بیشتر این گویشوران که ساکن خراسان‌اند در زمان شاه‌عباس صفوی، به دلایل سیاسی از مناطق غربی ایران به این منطقه کوچانده شده‌اند. گروهی از این اقوام به دلایل مشابه در زمان نادرشاه افشار به نواحی کوهستانی جنوب استان گیلان کوچیدند و در بخش‌های خورگام و عمارلوی شهرستان کنونی رودبار ساکن شدند. کرمانجی مانند تمامی زبانها و گویشها در سیر تاریخی و جغرافیایی خود تغییراتی یافته است. این تغییرات بسته به میزان ارتباط با گویشوران سایر زبانها، رسانه‌های ملی و محلی و نظام آموزشی جاری متفاوت است. بخشی از تغییرات این گویش در فرایند کم‌کوشی گویشوران و ساده‌سازی زبانی به صورت طبیعی اتفاق افتاده است. در گویش کرمانجی خراسان تحت تأثیر

عواملی مانند زبان فارسی و ترکی، نظام آموزشی و آثار مکتوب و رسانه‌های همگانی فارسی‌زبان و برخی عوامل دیگر نشانه‌های جنس و حالت‌نمایی کم‌رنگ شده است. همچنین نظام نحوی کنایی (ارگتیو) نیز رفته‌رفته در حال فروپاشی است. در گویش کرمانجی رودبار متأثر از زبان فارسی، ساخت مجهول ترکیبی تغییر یافته است، نشانه‌های تمایز جنس دستوری از بین رفته و نشانه‌های حالت‌نمایی نیز تا حد امکان تقلیل یافته است. همچنین نظام نحوی این گویش از حالت کنایی (ارگتیو) به نظام فاعلی-مفعولی تغییر پیدا کرده است. با وجود این تغییرات، گویش کرمانجی رودبار در مقابل ساختهای نحوی و صرفی زبان فارسی به شکل کامل منفعل نبوده است، چنانکه در مواردی اگر ساختهای مذکور با نظام آوایی و دستوری گویش کرمانجی در تعارض بوده‌اند، از بستر این تعارض و ناهمخوانی ساختهای جدیدی ایجاد شده است. مثلاً نارسایی معنایی ساخت فعل مجهول فارسی در بعضی افعال کرمانجی منجر به ایجاد شکل متفاوتی از فعل مجهول در گویش کرمانجی رودبار شده است که مشابهی در سایر گویشهای کرمانجی ندارد. همچنین با وجود نظام فاعلی-مفعولی، برخلاف زبان فارسی این مسأله باعث کم‌رنگ شدن تمایز ضمائر فاعلی و غیرفاعلی نشده است؛ از سوی دیگر، بی‌نظمی موجود در جایگاه ضمائر فاعلی و غیرفاعلی که گویش‌های مختلف کرمانجی خراسان با توجه به میزان تأثیرپذیری از نظام فاعلی-مفعولی فارسی متحمل آن شده‌اند، در گویش کرمانجی رودبار وجود ندارد. در مجموع می‌توان گفت گویش کرمانجی رودبار در مسیر آسان‌سازی زبانی، برخی ساختهای صرفی، نحوی و نشانه‌ای خود را از زبان فارسی اخذ کرده است؛ اما اگر ساختهای اخذ شده در پاره‌ای از افعال، کلمات و صرفها مغایر با اصل روانی و رسایی زبان بوده‌اند به شکل پویا اقدام به حفظ تمایزهای کهن یا ایجاد ساختهای نو نموده است.

پیوست

آوانگاشت معیار با معادل متناظر آن در نویسه‌های متداول کرمانجی

آوانگاشت معیار	æ				j	i	
نویسه متداول کرمانجی	e	i		c	y		j

کتابنامه

- ابراهیم‌پور، م.ت. (۱۳۷۳). *واژه نامه فارسی-کردی*. تهران: نشر ققنوس.
- امامی، ح. و سبزه، م. (۱۳۹۲). «مقایسه نظامی آوایی گویش کرمانجی خراسانی و کردی ایلامی»، *فرهنگ ایلام*، دوره ۱۴، شماره ۴۰ و ۴۱، صص ۱-۱۵.
- انصاف‌پور، غ.ر. (۱۳۷۹). *تاریخ سیاسی و جغرافیایی مردم کرد از شرقی ترین تا غربی ترین*. تهران: انتشارات ارمغان.
- بلو، ژ. و باراک، و. (۱۳۸۷). *دستور زبان کردی (کرمانجی)*. ترجمه علی بلخکانلو (پاک سرشت)، قم: انتشارات عمو علوی.
- پاک‌سرشت، ع. و عمرزاده، ش و سایرین (نت: ۱۳۹۱). *فرهنگ کردی (کرمانجی)- فارسی*: <http://www.evar.blogfa.com/post/115>
- تقوی گلپان، م. و عزیزاده، ع. (۱۳۹۱). *مقایسه نظام حالت دهی گویش کرمانجی خراسان با نظام زبان فارسی معاصر*. پایان‌نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه بیرجند.
- ترقی اوغاز، ح.ع. (۱۳۷۹). *مقایسه ساخت فعل در کرمانجی خراسان، کردی مهابادی و کردی کرمانشاهی*. پایان‌نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- توحدی، ک. (۱۳۶۲). *حرکت تاریخی کرد به خراسان در دفاع از استقلال ایران*. ج ۲، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- توحدی، ک. (۱۳۷۰). *حرکت تاریخی کرد به خراسان*. ج ۱، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- جلایرلان، ع. (۱۳۷۱). *بررسی گویش کرمانجی خراسان*. پایان‌نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- دانش‌پژوه، ف. (۱۳۸۹). *ارگتیو در زبان کردی کرمانجی (بادینی)*، سورانی، هورامی. تهران: نشر داستان.
- دانش‌پژوه، ف. و کریمی دوستان، غ. ح. (ایترنت: ۱۳۹۳- آماده انتشار). «مجهول در کرمانجی و سورانی بر پایه دستور نقش و ارجاع». *مجله جستارهای زبانی*. صص (نت: ۱-۲۶).
- رایینو، ه.ل. (۱۳۷۴). *ولایات دارالمرز ایران: گیلان*. ترجمه جعفر خمami زاده. رشت: انتشارات طاعتی.
- راسخ مهند، م. و نقشبندی، ز. (۱۳۹۲). *تأثیر عوامل کلامی بر تعیین نوع الگوی حالت در گویش هورامی*، *مجله جستارهای زبانی*، دوره ۴ شماره ۴ (پیاپی ۱۶). صص ۸۷-۱۰۹.

- رحیمی دوین، ح. (۱۳۷۰). مقایسه ساختاری زبان کرمانجی و انگلیسی با تأکید بر مطالعه خطاها در نظام عناصر جملات انگلیسی در زبان آموزان مقطع راهنمایی تحصیلی. پایان نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.
- رضایتی کیشه‌خاله، م. (۱۳۸۲). چند نکته دستوری در گویش تالشی، مجله گویش‌شناسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، شماره اول، صص ۴۱-۵۲.
- رضایتی کیشه‌خاله، م. (۱۳۸۶). ساخت ارگتیو در گویش تاتی خلخال. مجله ادب پژوهی. شماره ۱. صص ۸۹-۱۰۵.
- رضایتی کیشه‌خاله، م. و جلاله‌وند آکامی، م. (۱۳۹۰). فعل مجهول در زبانها و گویش‌های ایرانی. مجله ادب پژوهی. شماره ۱۶. صص ۹-۳۴.
- زنگلی، ج.ق. (بی تا). دیوان اشعار. (بی جا). نسخه خطی.
- سبزه‌علیپور، ج. و ایزدی‌فر، ر. (۱۳۹۳). نظام حالت‌نمایی در گویش تاتی خلخال. مجله جستارهای زبانی. دوره ۵، شماره ۴ (پیاپی ۲۰)، صص ۱۰۳-۱۳۳.
- شریفی‌نژاد، ی. (۱۳۹۱). لهجه‌های زبان کرمانجی و جایگاه لهجه کرمانجی خراسانی در آن: <http://kormanji.mihanblog.com/extrapage/lahjekormanji>
- طاهرزاده، ع. (۱۳۸۳). عشایر کرد شمال خراسان. مشهد: انتشارات خلیلیان.
- علیزاده، ع. و تقوی گلیمان، م. (اینترنت: ۱۳۹۴-آماده انتشار). ساخت ارگتیو و فروپاشی آن در گویش کرمانجی خراسان. مجله زبان پژوهی. صص (نت: ۱-۲۴).
- قنبری بگلر، ج. و الیاسی، م. و ایزانلو، ع. (۱۳۹۲). بررسی تفاوت‌های گویش کرمانجی بیگلر با گویش‌های کرمانجی مجاور. مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، شماره ۱-۱۹.
- کریمی، ی. (۱۳۹۱). مطابقه در نظام کنایی (ارگتیو) زبانهای ایرانی: رقابت واژه‌بست و وند، مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی. سال چهارم، شماره ۲. صص ۱-۱۸.
- مصطفوی‌گرو، ح.ع. (۱۳۸۶). بررسی تاریخی نظام آوایی گویش کرمانجی خراسان. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد. شماره ۱۵۹. صص ۳۳-۶۷.

برخود فرض می‌دانیم از اطلاعاتی که محققان کرمانج، آقایان محمود قربانپور از چناران و محمدتقی گلیمان از شیروان درباره گویش کرمانجی خراسان در اختیارمان قرار داده‌اند، سپاسگزاریم.